



واگذاری سهام عدالت به جاماندگان

حجت ا... عبدالملکی، وزیر تعاون، کار ورفاه اجتماعی از عزم دولت برای تقویت تعاونی‌های سهامی عدالت و واگذاری سهام به جاماندگان خبر داد و گفت: دولت سیزدهم سکوی پرتاب بخش تعاون خواهد بود، رویکرد ما تقویت تعاونی‌های سهامی عدالت است و دولت این عزم را دارد که در یک‌بستر و فرآیند قانونی به

دفاعیه‌ای برای استقلال بانک مرکزی

پاسخ رئیس کمیته پولی و بانکی مجلس به یادداشت سید یاسر جبرائیلی درباره استقلال بانک مرکزی

دهم شهریور گذشته سید یاسر جبرائیلی، کارشناس اقتصادی درباره استقلال بانک مرکزی انتقاداتی را مطرح کرد اما کمیسویون اقتصادی مجلس و کمیته پولی و بانکی مجلس شورای اسلامی در دفاع از طرح خود در راستای استقلال بانک مرکزی مطالبی را بازگو کردند. یاسر جبرائیلی طرح استقلال بانک مرکزی را یک طرح غربی می‌داند اما کمیته پولی و بانکی مجلس اعلام کرده این طرح منجر به پاسخگویی و کارآمدی بانک مرکزی خواهد شد. آن طور که این کارشناس اقتصادی در مطلب هفته گذشته روزنامه جام‌شم جرح کرده بود ننو لیبرال‌ها به دنبال استقلال بانک مرکزی هستند اما مجلس معتقد است این یک طرح اقتصادی تحول‌گراست و بانک مرکزی به عنوان نهاد پولی و بانکی نقش توسعه‌ای خواهد داشت.

آنچه در ادامه می‌خوانید پاسخ کمیته پولی و بانکی مجلس در دفاع از طرح استقلال بانک مرکزی و انتقادات یاسر جبرائیلی کارشناس اقتصادی است.

روایت یک تحلیل

هفته گذشته، یادداشتی از برادر عزیزمان آقای سید یاسر جبرائیلی در نقد طرح «اهداف، وظائف و ساختار بانک مرکزی» منتشر شد. نویسنده محترم در آن یادداشت، طی یک مقدمه و هفت نکته دیدگاه خودشان را در این خصوص که چرا طرح مصوب مجلس را مناسب و مفید نمی‌دانند، توضیح داده و تلاش کرده‌اند با نقل بخش‌هایی از ۱۶ مقاله خارجی و سه مقاله داخلی مدعی خود را اثبات کنند. خلاصه و ماحصل یادداشت جناب جبرائیلی این است که طرح مزبور برگرفته از گزارش پروژه ایران ۲۴۰ دانشگاه استنفورد و توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول است که توسط جمعی که ایشان آنها را «نئولیبرال‌های ایرانی» نامیده‌اند، در مجلس مطرح شده؛ مجلس هم فریب خورده و کلیات این طرح خطرناک را تصویب کرده است. در ادامه، «خطای راهبردی تحلیل» و اشتباهات محتوایی نوشته ایشان را به تفصیل بیان خواهیم کرد. اما پیش از آن، ضرورت دارد برای دفاع از حریم مجلس شورای اسلامی، بر چند نکته اساسی تأکید شود:

کارآمدی و پاسخگویی

طرح مجلس همچنان که در ماده ۲ آن تصریح شده به دنبال «ارتقای استقلال، اقتدار، کارآمدی و پاسخگویی بانک مرکزی» است که نیاز قطعی امروز اقتصاد ایران است. نمایندگان مجلس به درستی متوجه این واقعیت شده‌اند که تا بانک مرکزی اصلاح نشود، نظام بانکی کشور اصلاح نخواهد شد و تا نظام بانکی اصلاح نشود، اقتصاد ایران روی خوش نخواهد دید. نویسنده محترم تلاش مجلس برای ارتقای استقلال، اقتدار و پاسخگویی بانک مرکزی را تقلیدی کورکورانه از آموزه‌های اقتصادی غرب قلمداد کرده‌اند. این ادعا، نادرست و ناشی از عدم احاطه علمی منتقد محترم به دانش اقتصاد و ادبیات بانکداری مرکزی یا ناشی از عدم تدقیق ایشان در متن طرح است.

نقش توسعه‌ای بانک مرکزی

برخلاف آنچه فرموده‌اند، مصوبه مجلس، اهداف بانک مرکزی را به هیچ وجه منحصر در کنترل و مهار تورم نمی‌داند؛

ضرورت بازنگری در قانون بانک مرکزی

اثرگذاری بانک مرکزی عمدتاً از دو ناحیه است: یکی از ناحیه نحوه تعامل با دولت و دوم، از ناحیه چگونگی اشراف بر شبکه بانکی – با تأکید اکید بر بانک‌های خصوصی– و کنترل آنها. جایگاه بانک مرکزی در ساختار حکمرانی یک کشور و نحوه حکمرانی داخلی بانک مرکزی است که تعیین می‌کند بانک مرکزی در دو عرصه پیش‌گفته چگونه عمل خواهد کرد. ما در ادامه به محور دوم یعنی چگونگی تعامل بانک مرکزی با بانک ها در دهه‌های اخیر، به‌ویژه از سال ۱۳۸۰ به این سو که دوره تاخت و تاز بانک‌های خصوصی در اقتصاد ایران است، خواهیم پرداخت. اما عجلاتاً لازم است قدری در محور اول تأمل کنیم:

خلاصه حرف مجلس در باب نحوه تعامل دولت با بانک مرکزی این است که بانک مرکزی برای این که بتواند معضل مزمن نقدینگی افسارگسیخته را در اقتصاد ایران مدیریت کند، و بر شبکه بانکی کشور به‌ویژه بانک‌های خصوصی مسلط شود، نیازمند یک هسته تصمیم‌گیر متخصص، تمام وقت (به تعبیر مقام معظم رهبری، شب و روز کار) و برخوردار از استقلال رأی است. بانک مرکزی بدون داشتن یک قوه عاقله متخصص، تمام وقت و شجاع، می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در بیست سال گذشته، و نتیجه عملکرد آن هم می‌شود رشد بیشتر از ده هزار درصدی نقدینگی در کنار رشد کمتر از ۴۰ درصدی تولید ناخالص داخلی!

ضرورت بازنگری در ترکیب شورای پول و اعتبار

مجلس شورای اسلامی نقطه آسیب‌پذیر و شکننده حکمرانی در بانک مرکزی را به درستی شناسایی کرده و به همین دلیل، نقطه غزیمت خود را بازنگری در ترکیب شورای پول و اعتبار و شرایط و ویژگی‌هایی که اعضای آن شورا باید داشته باشند و در حال حاضر ندارند قرار داده است. براساس قوانین موجود، شورای پول و اعتبار، به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری در بانک مرکزی متشکل از یک عضو اجرایی (رئیس کل) و ده نفر عضو غیراجرائی است. این ده نفر عبارتند از:

وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی؛
رئیس سازمان برنامه و بودجه یا معاون وی؛
دو نفر عضو حقیقی به انتخاب رئیس جمهور؛
دادستان کل کشور یا معاون وی؛

وزیر صنعت، معدن و تجارت؛
دو وزیر به انتخاب هیأت وزیران؛
رئیس اتاق ایران؛
رئیس اتاق تعاون.

شورای پول و اعتبار مطابق قوانین فعلی، چند ویژگی کاملاً آشکار دارد:

نخست این است که این که هیچ‌کدام از اعضای غیراجرائی آن قانوناً «موظف»

نیستند تمام یا بخش قابل توجهی از وقت خود را به بانک مرکزی اختصاص

دهند و فقط ماهی یک‌بار یا حداکثر دو‌بار به مدت دو ساعت در جلسه

شورای پول و اعتبار شرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، قانون، اعضای

غیراجرائی شورای پول و اعتبار را ملزم به حضور تمام وقت یا حتی پاره وقت

در بانک مرکزی، پیگیری سیاست‌های پولی و نظارت بر شبکه بانکی کشور

نکرده است. وقت این کار را هم ندارند!

دوم این که از سیزده نفر عضو شورای پول و اعتبار (با احتساب دو نماینده

مجلس که به عنوان ناظر و بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت و

اظهارنظر می‌کنند)، فقط سه نفر طبق قانون باید از صلاحیت تخصصی

وفنی لازم برای اظهارنظر در موضوعات کلان اقتصادی و به‌ویژه در حوزه

سیاست‌گذاری پولی برخوردار باشند. در مورد ده عضو دیگر، قانون هیچ

طرح مجلس چه می‌گوید؟

طرح مجلس، با استناد به آسیب‌شناسی مرکز پژوهش‌ها، انجام مطالعات تطبیقی گسترده و استفاده از تجربیات سایر کشورها، اصلاحات زیر را در رابطه با شورای پول و اعتبار پیشنهاد کرده است:
اولاً- اعضای شورای پول و اعتبار جای خود را به سه عضو اجرایی (رئیس کل بانک مرکزی، معاون سیاستگذاری پولی رئیس کل و معاون نظارتی وی) و شش عضو غیر اجرایی خواهند داد. همه این نه عضو باید دارای حداقل ده سال تجربه مفید در حوزه های اقتصادی، مالی یا بانکداری بوده و معتقد به بانکداری اسلامی و مسلط بر روش‌های اجرای آن باشند (بند ب ماده ۷ طرح). همچنین سه نفر از اعضای غیر اجرایی باید اقتصاددانان متخصص در حوزه سیاستگذاری پولی و اقتصاد کلان، و سه نفر دیگر متخصص در حوزه بانکداری و حقوق بانکی باشند. ضمناً همه اعضای هیأت عالی باید به‌صورت تمام وقت در خدمت بانک مرکزی بوده و حق اشتغال به هیچ مسئولیت دیگری را ندارند. دو سال قبل و بعد از تصدی مسئولیت در بانک مرکزی، نباید با بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به آنها ارتباط سهامداری، مدیریتی، مشاوره‌ای و ... داشته باشند. نخستین رئیس جمهوری که اجرای

این قانون را آغاز خواهد کرد، انتخاب همه اعضای غیر اجرایی را بدون هیچ‌گونه محدودیتی در اختیار خواهد داشت. اما طرح عمداً به‌گونه‌ای طراحی شده که رؤسای جمهور بعد، در هر دو سال فقط دو نفر از اعضای غیراجرایی را بتوانند تغییر دهند. این تمهید، برای مصون سازی اقتصاد کشور و جلوگیری از ورود شوک‌های سیاستگذاری به بخش واقعی اقتصاد و فضای کسب و کار کشور در نظر گرفته شده و مبتنی بر آسیب‌شناسی دقیق از حکمرانی بانک مرکزی در چهار دهه اخیر است. همچنین، عزل اعضای غیراجرایی توسط رئیس جمهور منوط به موافقت دو رئیس قوه دیگر شده است. هدف از اناطه عزل اعضای غیراجرایی به موافقت رؤسای سه قوه، ترزیک شجاعت و استقلال رأی به هسته اصلی تصمیم‌گیری در نظام پولی و بانکی کشور است.

به این ترتیب، براساس مصوبه مجلس، شورای پول و اعتبار ضعیف و ناکارآمد فعلی جای خود را به هیأتی تمام وقت و متخصص خواهد داد که از دانش و تجربه کافی و استقلال رأی مناسب برای سیاستگذاری پولی و مدیریت کلان شبکه بانکی کشور برخوردار است. ضمن این‌ که مصوبه مجلس برای اولین بار در طول تاریخ بانکداری ایران، به پدیده تعارض منافع در هرم مدیریتی بانک مرکزی توجه کرده و احکام انضباطی لازم را در متن طرح تعبیه کرده است.

و اعتبار در چهار دهه گذشته شورایی بوده است که علی‌رغم داشتن اختیارات بی‌بدیل برای تصمیم‌گیری در بخش پولی اقتصاد کشور، اعضای آن شورا به‌جز شخص رئیس کل به‌طور کامل در جریان فرایندها و عملکرد جاری بانک مرکزی و شبکه بانکی کشور قرار نداشته اند؛ اعضای آن از صلاحیت علمی لازم برای اظهارنظر و مشارکت در تصمیم‌گیری در حوزه پول و بانک برخوردار نبوده‌اند؛ و همه آنها به‌جز سه نفر دادستان کل کشور و رؤسای اتاق‌ها منصوب رئیس جمهور بوده و با تغییر رئیس جمهور تغییر می‌کرده‌اند.

نخستین پیام مصوبه مجلس یازدهم این است که اتاق فرماندهی نظام پولی و بانکی کشور، با ترکیبی که در قوانین فعلی آمده است، از صلاحیت لازم برای مدیریت نقدینگی و کنترل شبکه بانکی کشور برخوردار نیست و قطعاً توانایی اجرای چنین مأموریت مهمی را ندارد. وضعیت ناسامان و فوق بحرانی شبکه بانکی کشور محصول عملکرد بیست سال گذشته شورای پول و اعتبار است که مخالفان طرح مجلس، ناخواسته دارند راه را برای استمرار آن هموار می‌کنند.



تعاون آمده از بازار سرمایه هم کمک بگیریم و مشوق های دولتی و تسهیل گری های حوزه اقتصاد را با اولویت بخش تعاون صورت دهیم. وی ادامه داد: در حال حاضر به طور پراکنده برخی از نهادها در حال فعالیت هستند و ما در صدد هستیم در قالب سامانه جامعی که در وزارت کار شکل می‌گیرد همه این فعالیت ها را منسجم کنیم.

یک توصیه به منتقد محترم

به منتقد محترم توصیه می‌کنم یک بار دیگر مطالب این بخش را با دقت -و البته این بار با حسن ظن به برادرانشان در مجلس شورای اسلامی- بخوانند و در آن تأمل کنند. اگر آسیب های جدی که در رابطه با شورای پول و اعتبار مطرح شده، شما را هم مثل برادرانتان در مجلس نگران می‌کند؛ و اگر راهکارهای ارائه شده در طرح مجلس را برای تبدیل شورای پول و اعتبار ضعیف و ناکارآمد فعلی به شورایی کارآمد، قوی و اثرگذار (با ویژگی هایی که مقام معظم رهبری در دیدار ۲۴ تیر ۱۳۹۷ با هیأت دولت برای کسانی که قرار است نقدینگی افسارگسیخته کشور را مدیریت کنند، برشمردند: «دانا»، «حساس»، «خطریذیر»، «شجاع»، «قوی» و «شب و روزکار»)، مناسب می‌دانید، عقل و حکمت اقتضا می‌کند که به برادران خود در مجلس، و نیز به مهم‌ترین مرکز اندیشه‌ورزی نظام یعنی مرکز پژوهش‌های مجلس اعتماد کنید و تلاش‌تان را معطوف رفع نواقص و خلاهای طرح -و نه مخالفت با آن- بفرمایید؛ و اگر راهکار ارائه شده توسط مجلس را مناسب نمی‌دانید، بنده همین جا صمیمانه از جنابعالی استمداد می‌کنم: لطف کنید و راهکاری را که مناسب می‌دانید، پیشنهاد کنید. این‌ که جنابعالی صرفاً به این دلیل که صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی یا دانشگاه استنفورد یا ... مشابه همین راهکارها را توصیه کرده‌اند، و بدون اشراف بر خاستگاه فکری و مبانی نظری طراحان طرح و کارشناسان مرکز پژوهش‌ها یا مصوبه مجلس به مخالفت برخاسته‌اید، واقعاً قابل درک نیست. سؤال اساسی من این است که این معیار و منطق تحلیل، که اگر بین راه حل‌هایی که توسط فرزندان همین مرز و بوم و در مراکز پژوهشی رسمی و معتبر برای حل مشکلات کشور اندیشیده می‌شود، با آنچه نهادهای بین‌المللی توصیه کرده‌اند، شباهت‌هایی وجود داشت، باید دستاوردهای خود را کنار بگذاریم و فرزندان خود و یافته‌های آنان را تخطئه کنیم، از کجا آمده‌است؟ مگر شما در همین یادداشت اخیر خود، به مجلس تکلیف نفرموده‌اید که: «قانون مالیات بر مجموع درآمد (PIT) باید تصویب شود، قانون مالیات بر عایدی سرمایه(CGT) باید با دقت اجرا شود. سازکارهای لازم برای مالیات بر تراکنش‌های بانکی، مالیات بر سفته‌بازی دارایی(PST) و مالیات بر سفته‌بازی مالی(FST) باید ایجاد شود؟» (سید یاسر جبرائیلی ۱۴۰۰/۶/۱۴) و مگر نه این است که همه این «باید»‌ها و انواع مالیات‌هایی که ذکر فرموده‌اید ابداع غربی‌ها و مورد توصیه نهادهایی همچون بانک جهانی است؟ آیا جوانمردانه است که جنابعالی را به خاطر این توصیه همسو با توصیه‌های بانک جهانی، «نئولیبرال ایرانی» خطاب کنند؟

و باز در همان جا فرموده‌اید: «تحول در نظام مالیاتی باید تبدیل به دغدغه مرکبیت دولت شود؛ به نحوی که سازمان امور مالیاتی از وزارت امور اقتصادی و دارایی منتزع شده و به جایگاه معاونت رئیس‌جمهور ارتقاء یابد..... اهمیت این سازمان به‌قدری بالاست که در برخی کشورها مراکز ثبت احوال و ثبت اسناد و املاک نیز ذیل سازمان مالیاتی قرار دارند؛ یعنی هم افراد و هم شرکت‌ها از بدو تولد در نظام مالیاتی پرورنده دارند». (سید یاسر جبرائیلی ۱۴۰۰/۶/۱۴) جناب جبرائیلی عزیز! فرمایش شما در این فراز کاملاً درست و دلسوزانه است. اما سؤال من این است که آیا بین توصیه‌ای که در حوزه مالیات فرموده‌اید، با

حلقه مفقوده اقتدار بانک مرکزی

سال ۱۳۸۰ سال بسیار مهمی در تاریخ اقتصادی جمهوری اسلامی ایران است، در این سال نخستین بانک خصوصی پس از انقلاب متولد می‌شود. چند سال بعد، سیاست‌های کلی اصل چهل و چهار ابلاغ و ضمن تجویز فعالیت بخش خصوصی در صنعت بانکداری، مقرر می‌شود که با توجه به این که بانک‌های خصوصی در صنعت بانکداری کشور حضور یافته‌اند، «نظارت قانونی» و «نظارت شرعی» قوی بر بانک‌ها اعمال گردد.

بخش نخست ابلاغیه رهبری در باره صنعت بانکداری با سرعت هرچه تمام‌تر انجام شد و بانک‌های خصوصی یکی پس از دیگری سر برآوردند. اما بخش دوم ابلاغیه که نظارت قانونی و شرعی قوی بر بانک‌ها را الزام می‌کرد، همچنان بر زمین مانده است. بر این اساس، من با این بخش از نوشته جناب جبرائیلی کاملاً موافقم و ایشان را به‌خاطر شجاعت در بیان این مطلب تحسین می‌کنم؛ «فقط کسری بوده‌جه دولت نیست که باعث عرضه پول و ایجاد تورم می‌شود. وقتی آمار و اطلاعات ۱۰ سال اخیر را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که بخش قابل توجهی از پول عرضه شده توسط بانک مرکزی، مربوط به استقراض بانک‌ها به ویژه بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی بوده است؛ حتی مواردی بوده که هزینه‌های جاری یک بانک خصوصی (مشخصاً بانک آینده طی سال‌های ۹۸-۹۷) از محل پایه پولی تأمین شده است. آيا با مستقل کردن بانک مرکزی از دولت، این معضل حل خواهد شد؟ یا اینکه باید فکری به حال بانک‌های خصوصی کرد که سهمی در پیشرفت کشور ندارند. اما با تحمیل فشار تورمی به مردم، اموراتشان را می‌گذرانند و اقلیتی را صاحب ثروت و مکنّت می‌کنند؟» (سید یاسر جبرائیلی ۱۴۰۰/۶/۱۴)